روزنامه صبح ایران
دنیای اقتصاد
گروه خبر
۵۲۱۸۹۳۱۴
khabar@den.ir

دیدگاه

آیا راه خروج از بن‌بست، بازگشت به اسلام‌آباد است؟

حسین قتیب
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

کافی است تاریخ‌ها را کنار هم بگذاریم. آتش‌بس در ۱۸ فروردین اعلام شد. در ۲۴ فروردین، آمریکا محاصره بنادر ایران را آغاز کرد. فقط ۶ روز فاصله بود. توقف حملات هوایی، فشار را متوقف نکرد؛ فشار از آسمان به دریا منتقل شد و این بار مستقیما صادرات نفت و راه‌های ارتباطی ایران را هدف گرفت. محاصره هم قرار نبود رفت‌وآمد همه کشتی‌ها را متوقف کند. کشتی‌های عازم بنادر ایران یا خارج‌شونده از آنها مشمول محاصره بودند، اما عبور کشتی‌ها به مقصدهای غیرایرانی می‌توانست ادامه پیدا کند. به بیان روشن‌تر، آمریکا می‌خواست هرمز برای دیگران باز بماند و برای ایران بسته شود.

در همان روزها، از پذیرش آتش‌بس با یک قیاس تاریخی دفاع شد: گفته می‌شد ایران این بار «عاقلانه» رفتار کرده و نمی‌خواهد اشتباه پس از فتح خرمشهر یا فاو را تکرار کند. من از ابتدا با این قیاس مخالف بودم. قرار دادن این دو در کنار هم و ساختن حکم کلی درباره «زمان عاقلانه پایان جنگ»، بیشتر مصرف سیاسی دارد تا ارزش تحلیلی.

وضعیت جنگ اخیر نیز تکرار هیچ‌یک از آن دو لحظه نبود. اصلا بحث این نبود که ایران پس از یک پیروزی روشن تا کجا باید پیش برود. پرسش واقعی این بود که جنگ با چه ترتیباتی متوقف می‌شود و پس از توقف آن، چه چیزی در دست ایران باقی می‌ماند. آیا طرف مقابل هم ابزارهای فشار خود را کنار می‌گذارد؟ آیا توقف آتش شامل محاصره اقتصادی و دریایی هم می‌شود؟ سرنوشت تنگه هرمز، یعنی مهم‌ترین اهرمی که ایران در طول جنگ به دست آورده بود، چه خواهد شد؟ شش روز بعد، پاسخ آمریکا روشن شد.

کارت هرمز برای ایران هیچ‌گاه فقط توان بستن یک آبراه نبود. ارزش آن در این بود که هزینه جنگ و فشار علیه ایران را از مرزهای کشور بیرون می‌برد. اگر صادرات ایران متوقف می‌شد، صادرات نفت کشورهای عربی خلیج فارس و جریان انرژی در بازار جهانی نیز نمی‌توانست به شکل عادی ادامه پیدا کند. همین پیوند، هرمز را به ابزار بازدارندگی تبدیل کرده بود.

محاصره دریایی آمریکا درست همین پیوند را هدف گرفت. بر اساس دستور اعلام‌شده، کشتی‌های مرتبط با ایران متوقف می‌شدند، اما رفت‌وآمد میان بنادر غیرایرانی از محاصره مستثنا بود. از طراحی این محاصره می‌شد هدف راهبردی آن را فهمید: آمریکا می‌خواست هزینه جنگ را دوباره فقط بر دوش ایران بگذارد. نفت دیگران صادر شود، تجارت منطقه ادامه پیدا کند؛ اما ایران در بنادر خود محصور بماند. اگر این طرح موفق می‌شد، مهم‌ترین مزیت هرمز برای ایران از بین می‌رفت؛ نه به این دلیل که تنگه دیگر اهمیت نداشت، بلکه چون دیگر نمی‌توانست هزینه فشار بر ایران را میان دیگران تقسیم کند.

کریدور جنوبی هم ادامه همین سیاست بود. درباره آن گاهی به‌اشتباه گفته می‌شود که مسیری برای «دور زدن هرمز» است. چنین چیزی از نظر جغرافیایی درست نیست. کشتی‌ها همچنان باید از تنگه عبور کنند. تفاوت در این بود که از مسیر جنوبی، در آب‌های عمان و با هماهنگی با پشتیبانی آمریکا، حرکت می‌کردند. آنچه قرار بود دور زده شود خود هرمز نبود؛ نقش ایران در تعیین مسیر، صدور مجوز و مدیریت عبور بود.

البته آمریکا نتوانست این مسیر را کاملا امن یا قابل اتکا کند. حمله به چند کشتی در آب‌های عمان باعث شد برخی شرکت‌های کشتیرانی از استفاده از مسیر تحت هدایت آمریکا خودداری کنند. حجم تردد نیز به سطح پیش از جنگ بازنگشت. بنابراین نباید در موفقیت کریدور جنوبی اغراق کرد. اما اهمیت سیاسی آن را هم نمی‌توان نادیده گرفت. آمریکا برای نخستین بار به‌طور عملی می‌کوشید صادرات کشورهای دیگر را از اهرم هرمز ایران جدا کند؛ حتی اگر اجرای این طرح هنوز پرهزینه و ناقص بود.

تفاهم اسلام‌آباد بعدا قرار بود این بن‌بست را حل کند. در متن چهارده‌بندی آن، آمریکا پذیرفت رفع محاصره را بلافاصله آغاز کند و حداکثر ظرف ۳۰ روز به پایان برساند. ایران نیز پذیرفت عبور ایمن و بی‌هزینه کشتی‌های تجاری را برای ۶۰ روز فراهم کند. اما مهم‌ترین اختلاف، یعنی ترتیبات دائمی اداره تنگه، حل نشد. آن را به مذاکرات بعدی ایران و عمان سپردند.

ابهام فقط به هرمز محدود نبود. رفع کامل تحریم‌ها به برنامه زمانی توافق نهایی موکول شد. قرار بود سازوکار آزادسازی دارایی‌های مسدود شده در جریان مذاکرات تعیین شود. برنامه ۳۰۰ میلیارد دلاری بازسازی هم تا رسیدن به توافق نهایی، چیزی بیش از یک تعهد کلی نبود. در مقابل، باز شدن مسیر عبور کشتی‌ها نتیجه‌ای فوری و قابل مشاهده داشت. تفاهم اسلام‌آباد اختلاف اصلی را حل نکرده بود؛ فقط ۶۰ روز آن را عقب انداخته بود. اما عمر آن حتی به ۶۰ روز هم نرسید. همین ابهام خیلی زود خود را نشان داد. ایران تفاهم را مقدمه به رسمیت شناخته شدن نقش خود در مدیریت هرمز می‌دانست. آمریکا از همان متن، تعهد ایران به عبور آزاد و بی‌هزینه کشتی‌ها را می‌فهمید.

در فاصله این دو برداشت، کریدور جنوبی فعال‌تر شد، درگیری بر سر عبور کشتی‌ها بالا گرفت، آمریکا محاصره را دوباره برقرار کرد و مهلت ۶۰ روزه بدون رسیدن به توافق نهایی پایان یافت. اکنون نه محاصره کنار رفته، نه اختلاف درباره هرمز حل شده و نه مذاکرات به نقطه روشنی رسیده است. با این سابقه، امید بستن دوباره به تفاهم اسلام‌آباد دشوار است. آن تفاهم شاید در لحظه امضا فرصتی برای متوقف کردن یک دور از درگیری به نظر می‌رسید، اما امروز دیگر نمی‌توان همان متن و همان مسیر را راه‌حل دانست. در این فاصله، آمریکا محاصره را آزموده، کریدور جنوبی را پیش برده و برای کم‌اثر کردن کارت هرمز یک طرح عملی ساخته است؛ طرحی که هنوز کامل نیست، اما دیگر فقط یک فرض روی کاغذ هم نیست.

ادامه مذاکرات می‌تواند لازم باشد، اما احیای تفاهم اسلام‌آباد به همان شکل گذشته و مبهم کافی نیست. رفع محاصره و اجرای تعهدات اقتصادی باید همزمان و قابل سنجش باشد. تکلیف اداره هرمز نیز نمی‌تواند بار دیگر به پایان مذاکرات موکول شود. ایران نمی‌تواند ابتدا اهرم واقعی خود را کنار بگذارد و سپس منتظر بماند تا طرف مقابل درباره رفع تحریم‌ها، آزادسازی دارایی‌ها و اجرای وعده‌های اقتصادی تصمیم بگیرد.

خطای اولیه این بود که وضعیت تازه را با روایتی ساده از خرمشهر و فاو توضیح دادند. خطای بزرگ‌تر این خواهد بود که شکست تفاهم اسلام‌آباد را با امید بیشتر به همان تفاهم جبران کرد. اسلام‌آباد شاید در خرداد یک فرصت بود؛ در پایان مرداد دیگر نقشه‌ای نیست که بتوان با آن از این وضعیت خارج شد.

سفر فرمانده ارتش پاکستان به تهران می‌تواند به گشایش دوباره دیپلماسی منجر شود؟

مسیر اسلام‌آباد از هرمز می‌گذرد

دنیای اقتصاد در فضای تشدید تنش‌ها و تنگ‌تر شدن محاصره دریایی در تنگه هرمز، تهران بار دیگر میزبان ژنرال عاصم منیر فرمانده ارشد ارتش پاکستان خواهد بود. فرمانده ارتش پاکستان در حالی امروز دوشنبه به ایران سفر می‌کند که روزنامه وال استریت ژورنال گزارش داد که امکان بازگشت مجدد آمریکا و ایران به یادداشت تفاهم اسلام‌آباد همچنان وجود دارد. با این همه، مشخص نیست که آیا سفر مقام عالی‌رتبه پاکستانی به ایران می‌تواند به شکستن بن‌بست کنونی و ازسرگیری مذاکرات بینجامد یا خیر. این چهارمین سفر عاصم منیر به تهران از زمان آتش‌بس ۱۹ فروردین ماه تاکنون به شمار می‌رود.

دستور کار عاصم منیر در تهران

روز یکشنبه، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه ایران، گفت که فیلد مارشال عاصم منیر، فرمانده نیروهای مسلح پاکستان، روز دوشنبه به ایران سفر خواهد کرد. به گفته بقایی، عاصم منیر در راس یک هیات رسمی عازم تهران خواهد شد. سخنگوی دستگاه دیپلماسی کشورمان افزود که هدف این سفر، تقویت همکاری دو کشور و کمک پاکستان به تقویت صلح و امنیت منطقه است. بنا به گفته بقایی، عاصم منیر در این سفر با مقام‌های ارشد ایران دیدار می‌کند. این سفر در حالی صورت می‌گیرد که از زمان آغاز جنگ، پاکستان میانجی اصلی گفت‌گوهای ایران و آمریکا بوده است. در ماه‌های اخیر، ژنرال منیر، شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان و محسن نقوی، وزیر کشور پاکستان، هم بارها به تهران سفر کرده‌اند. از سوی دیگر، العربیه به نقل از منابع آگاه گزارش داد که فرمانده ارتش پاکستان در جریان سفر خود به تهران، حامل پیام‌هایی از سوی آمریکا برای ایران خواهد بود. این منابع گزارش دادند که سفر فرمانده ارتش پاکستان به ایران با هدف شکستن وضعیت بن‌بست کنونی و از سرگیری مذاکرات انجام خواهد شد. گفتنی است که وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران شامگاه شنبه با فرمانده ارتش پاکستان تلفنی گفت‌وگو کرد.

از سوی دیگر، لارنس نورمن، خبرنگار وال استریت ژورنال در پیامی در شبکه ایکس گفت که از نظر او ایران و آمریکا دوباره به یادداشت تفاهم برمی‌گردند. نورمن در این پیام گفت: «برداشت شخصی من این است که در نهایت، دوباره به همان تفاهم‌نامه برخواهیم گشت، اما بهای موافقت ایران با مفاد آن، از نظر امتیازاتی که ایران در همان ابتدا دریافت خواهد کرد، بیشتر خواهد بود. و ترامپ حاضر خواهد شد این بها را بپردازد.» وی افزود: «اما باید صبر کنیم و ببینیم چه پیش می‌آید.»

پیوند سفر منیر به تفاهم ایران و عمان

سفر دوباره عاصم منیر به تهران را نمی‌توان صرفا یک رفت‌وآمد دیپلماتیک دیگر در بحبوحه جنگ دانست؛ اهمیت این سفر بیش از هر چیز در امکان احیای مسیری است که پیش‌تر به تفاهم اسلام‌آباد میان ایران و آمریکا انجامید، اما با نقض تعهدات از سوی واشنگتن متوقف شد. اگر قرار باشد این مسیر دوباره فعال شود، مساله هرمز مهم‌ترین گره پیش‌روی آن خواهد بود؛ گرهی که بدون رسیدن تهران و مسقط به یک چارچوب روشن درباره امنیت و کشتیرانی در تنگه، بعید است بتوان از آن عبور کرد. در این میان، نقش عمان نیز اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. تماس عباس عراقچی با بدر بوسعیدی و گفت‌وگو درباره «شرایط مناسب برای ازسرگیری گفت‌وگوها» و تحولات کشتیرانی در هرمز، نشان می‌دهد که دیپلماسی همزمان در حال حرکت روی دو ریل است: از یک‌سو تلاش برای احیای کانال ایران و آمریکا و از سوی دیگر یافتن ترتیبی برای مدیریت وضعیت هرمز. در چنین شرایطی، دستیابی ایران و عمان به یک تفاهم درباره نحوه عبور و امنیت کشتیرانی می‌تواند بخشی از بن‌بست موجود را باز کند و زمینه را برای بازگشت به تفاهم اسلام‌آباد فراهم سازد.

اما احیای تفاهم پیشین بدون یک تضمین مهم، عملا ارزش محدودی خواهد داشت: پایبندی آمریکا به توافق. تجربه گذشته نشان داده است که مساله فقط رسیدن به متن تفاهم نیست؛ بلکه اعتبار تعهدات طرف آمریکایی نیز به همان اندازه اهمیت دارد. اگر قرار باشد ایران دوباره وارد فرآیند مذاکره شود، باید اطمینان داشته باشد که توافقی که حاصل می‌شود، با تغییر محاسبات سیاسی واشنگتن یا تصمیم رئیس جمهور آمریکا دوباره کنار گذاشته نخواهد شد. از این منظر، سفر عاصم منیر می‌تواند بیش از انتقال یک پیام، آزمونی برای سنجش امکان بازسازی اعتماد باشد. اگر پیام آمریکا حاوی راهکاری برای حل مساله هرمز، تضمین اجرای تعهدات و بازگشت به چارچوب تفاهم اسلام‌آباد باشد، سفر او می‌تواند آغازگر یک گشایش واقعی باشد. در غیر این صورت، حتی بهترین میانجی‌گری نیز قادر نخواهد بود شکاف موجود میان دو طرف را پر کند. مساله اصلی اکنون فقط بازگشت به مذاکره نیست؛ مساله این است که آیا می‌توان توافقی ساخت که هم نگرانی‌های ایران درباره حاکمیت و امنیت هرمز را لحاظ کند و هم نگرانی‌های مربوط به کشتیرانی را از مسیر تفاهم حل کند. در چنین چارچوبی، عمان می‌تواند حلقه اتصال میان تهران و واشنگتن باشد و پاکستان نیز با توجه به جایگاه عاصم منیر، نقش تسهیل کننده این مسیر را بر عهده بگیرد. اگر این دو مسیر به هم برسند، تفاهم اسلام‌آباد دیگر صرفا یک سند متوقف‌شده نخواهد بود؛ بلکه می‌تواند به نقطه آغاز دیپلماسی تازه‌ای تبدیل شود؛ دیپلماسی ای که از هرمز آغاز می‌شود، اما هدف نهایی آن کاهش تنش، تثبیت آتش‌بس و بازگرداندن پرونده ایران و آمریکا از میدان فشار و درگیری به میز مذاکره است.

احتمال بازگشت به مدار دیپلماسی

کوروش احمدی
دیپلمات پیشین

عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان بهترین گزینه برای میانجی‌گری در وضعیت فعلی تلقی می‌شود. وی چهره‌ای است که قابلیت بسیار خوبی برای پیشبرد فاز دیپلماسی دارد. از سوی دیگر، نمی‌توان آنچنان با اطمینان گفت که تهران و واشنگتن بتوانند به نتیجه ملموسی برسند. دلیل این مساله این است که پرونده هرمز همچنان محل اختلاف شدید است؛ از یک سو، تهران تاکید دارد که حاکمیت خود بر این آبراه را تحکیم بخشد. این در حالی است که آمریکا نشان داده که حاضر به پذیرش چنین چیزی نیست. در عین حال، به نظر می‌رسد که کاخ سفید درصدد است جبهه جدیدی در نزاع فعلی باز کرده و به جای تداوم فاز نظامی، از ابزار فشار اقتصادی بهره ببرد. همچنین باید در نظر گرفت که در درون حاکمیت ایران نیز صداهایی در رابطه با ارجحیت مذاکره به گوش می‌رسد. بنابراین به نظرم احتمال بازگشت به مدار دیپلماسی در وضعیت ۵۰-۵۰ قرار دارد. در زمینه سفر عاصم منیر به تهران، مساله مهم این است که محتوای پیامی که وی حاملش بوده چیست؛ اگر محتوای پیام به شکلی باشد که بتواند برای طرفین به نحوی رضایت‌بخش باشد، در آن صورت می‌توان امیدوار بود که اتفاق‌های مثبتی روی دهد. تا جایی که به امکان احیای تفاهم مربوط می‌شود، باید گفت که احتمال بازگشت به تفاهم‌نامه پیشین تهران و واشنگتن وجود دارد، اما باید در نظر داشت که نکته اصلی تفاسیر طرفین از بندهای تفاهم و میزان نزدیکی این تفسیرها به یکدیگر است. برای مثال، بندهای نخست و پنجم تفاهم‌نامه اسلام‌آباد همچنان محل اختلاف دو طرف قرار دارد. به بیان دیگر، امکان بازگشت به تفاهم‌های پیشین یا حتی رسیدن به یک تفاهم جدید وجود دارد، اما باید دید که می‌توان بر سر خوانش یکسان از بندهای این توافق‌نامه‌ها به نتیجه مشخص رسید یا خیر.

از توافق مکه تا سفر عاصم منیر: تحرکات تازه برای بازتعریف امنیت منطقه

ایران شریک نظم جدید می‌شود؟

دنیای اقتصاد: پاکستان، عربستان سعودی و ترکیه در هفتم اوت «توافق دفاعی مشترک مکه» را امضا کردند؛ توافقی که اگرچه متن رسمی آن تاکنون منتشر نشده، اما گزارش‌ها حاکی از آن است که سه کشور بر سر بندی مشابه ماده ۵ ناتو توافق کرده‌اند. به این معنا که حمله مسلحانه به یکی از اعضا، حمله به همه اعضا تلقی شود. توافقی که در ظاهر یک پیمان دفاعی میان سه کشور است، اما در سطحی گسترده‌تر می‌تواند نشانه‌ای از تغییر در محاسبات امنیتی خاورمیانه باشد؛ به‌ویژه در شرایطی که تردیدها درباره آینده نقش آمریکا در تامین امنیت منطقه افزایش یافته است.

در ایران نیز این تحول از همین زاویه مورد توجه قرار گرفته است. محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، توافق میان عربستان، ترکیه و پاکستان را تلاشی برای پر کردن «خلأ آمریکا» در منطقه دانسته و گفته است کشورهای منطقه باید در ترتیبات امنیتی جدید حضور داشته باشند. وی با اشاره به پیمان مکه گفت: «برادران ما در پاکستان، ترکیه و عربستان آمدند پیمانی درست کردند اما برای چه؟ چون آمریکا به آنها گفت خداحافظ. ما داریم می‌رویم. ما غنیمتی به دست آوردیم به نام ضعف آمریکا در منطقه، این غنیمت ملت ایران است، اگر آمریکا ضعیف نشده بود که این طوری نمی‌رفت کنار که حالا کشورهای دیگر بخواهند جا پای آن را پر کنند!»

رضایی با اشاره به اینکه ایران بیش از همه از وحدت جهان اسلام دفاع کرده، افزود: «الان هم از هر نوع اتحادی که در منطقه درست شود که همه در آن مشارکت داده شوند حمایت می‌کنیم. ایران و مصر نمی‌توانند در چنین پیمان‌هایی نباشند.» دبیر شورای عالی امنیت ملی تاکید کرد: «ما باید به عنوان موسس و کسانی که سند را امضا می‌کنند مشارکت داده شویم نه اینکه عده‌ای از دوستان ما بیایند بگویند، یک پیمان درست کردیم شما هم آن را تایید کنید! ما چه چیز را تایید کنیم وقتی اصلا نمی‌دانیم شما چه چیز را امضا کردید؟»

این در حالی است که اخیرا محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس ایران نیز در توئیتی گفته بود که تهران پیام‌های بی‌شماری از جانب کشورهای همسایه بابت تشکیل توافق‌های امنیتی جدید و گسترش همکاری اقتصادی در منطقه دریافت کرده است. این صحبت قالیباف با واکنش میخائیل اولیانوف، نماینده دائم روسیه در سازمان‌های بین‌المللی مواجه شد و اولیانوف نیز تاکید کرد که تشکیل چنین سامانه و سیستم جامعی در خلیج فارس یک وظیفه اصلی و خطیر است. اولیانوف همچنین این موضع را به عنوان بخشی از مفهوم امنیت جمعی دیرینه روسیه برای منطقه خلیج فارس مجددا مورد تاکید قرار داد.

امکان پیوستن ایران

اکنون پرسش مهم آنکه توافق مکه را باید در چه قالبی ارزیابی کرد و آیا امکان پیوستن ایران به این توافق وجود دارد؟ المیادین روز گذشته به نقل از یک مقام ایرانی مدعی شده بود که ایران دعوتنامه‌ای برای پیوستن به «توافق مکه» دریافت کرده و این موضوع در حال بررسی است.

توافق مکه را باید بخشی از یک روند بزرگ در خاورمیانه ارزیابی کرد. برای نزدیک به پنج دهه، امنیت منطقه تا حد زیادی بر نظمی استوار بوده که آمریکا در مرکز آن قرار داشت. اما اکنون این نظم با پرسش‌های تازه‌ای روبه‌رو است. اگر بازیگران منطقه‌ای به این نتیجه رسیده باشند که در بحران‌های آینده نمی‌توانند با همان اطمینان گذشته روی مداخله و حمایت آمریکا حساب کنند، طبیعی است که به سمت ایجاد ترتیبات امنیتی مستقل‌تر و متنوع‌سازی شرکای خود حرکت کنند. درواقع توافق‌نامه مکه میان عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان در پی افزایش تردیدها درباره میزان اتکاپذیری چتر امنیتی آمریکا امضا شده است. پرسش اصلی، اما اینجاست که اگر نظم پیشین در حال تغییر است، چه نظمی جایگزین آن خواهد شد و ایران در این میان کجا خواهد ایستاد؟

به بیان دیگر اگر توافق مکه قرار باشد از یک پیمان دفاعی سه‌جانبه به هسته یک معماری امنیتی فراگیر در منطقه تبدیل شود، امکان حضور ایران نیز می‌تواند مطرح شود؛ اما این حضور مستلزم تغییراتی در ماهیت و سازوکار توافق خواهد بود. نخستین شرط ایران برای حضور در چنین ائتلافی می‌تواند این باشد که توافق مکه به ابزاری برای مهار یا مقابله با تهران تبدیل نشود و ایران در تعریف تهدیدهای امنیتی منطقه به‌عنوان یک طرف گفت‌وگو، نه یک تهدید، شناخته شود. در چنین چارچوبی، امنیت انرژی، کشتیرانی، مقابله با تروریسم، مدیریت بحران و جلوگیری از گسترش درگیری‌ها می‌تواند جایگزین تعریف یک دشمن مشترک شود.

شرط مهم دیگر، ایجاد حداقلی از تفاهم امنیتی میان ایران و عربستان است؛ از جمله سازوکارهای جلوگیری از درگیری مستقیم، مدیریت بحران، حفظ امنیت خلیج فارس و زیرساخت‌های انرژی و ایجاد کانال‌های ارتباطی فوری در زمان بحران. همچنین ترکیه و پاکستان می‌توانند نقش پل میان ایران و توافق مکه را ایفا کنند و زمینه گفت‌وگوهای گسترده‌تر را فراهم آورند. در این میان، عضویت ایران لزوما نباید از ابتدا به معنای پذیرش کامل تعهدات دفاعی پیمان باشد؛ بلکه می‌تواند با مشارکت در سازوکارهای امنیتی، گفت‌وگوهای منطقه‌ای و ترتیبات عدم تعرض آغاز شود. در نهایت، شرط اساسی حضور ایران، تبدیل توافق مکه از یک ائتلاف محدود به چارچوبی فراگیر است که امنیت منطقه را بدون حذف هیچ‌یک از بازیگران اصلی دنبال کند.

ژنرال منیر در تهران دنبال چیست؟

همزمان با شکل‌گیری ترتیبات جدید امنیتی در منطقه، اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه، از سفر روز دوشنبه فیلد مارشال عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، به ایران خبر داد؛ سفری که با توجه به جایگاه پاکستان به‌عنوان یکی از سه طرف توافق دفاعی مکه، واجد اهمیت ویژه‌ای است. به‌ویژه آنکه اسلام‌آباد طی ماه‌های گذشته نیز برای نزدیک کردن دیدگاه‌های تهران و واشنگتن و دستیابی دو طرف به یک تفاهم اولیه تلاش کرده است. از این رو، سفر فرمانده ارتش پاکستان را می‌توان در دو سطح دنبال کرد: رایزنی درباره توافق تازه امضاشده مکه و بررسی راه‌های خروج از بن‌بست موجود میان ایران و آمریکا. در همین راستا، منابع العربیه مدعی شده‌اند عاصم منیر در جریان این سفر حامل پیام‌هایی از سوی آمریکا خواهد بود و تلاش می‌کند زمینه را برای شکستن بن‌بست و از سرگیری مذاکرات تهران و واشنگتن فراهم کند؛ ادعایی که هنوز به‌صورت رسمی تایید نشده است.

اهمیت این سفر زمانی بیشتر می‌شود که در روزهای اخیر رایزنی‌های تهران با دیگر بازیگران منطقه‌ای نیز افزایش یافته است. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، شامگاه شنبه با فرمانده ارتش پاکستان درباره آخرین تحولات منطقه و راهکارهای تقویت صلح، ثبات و امنیت در غرب آسیا گفت‌وگو کرد. همزمان، بدر عبدالعاطی، وزیر خارجه مصر، نیز در تماس تلفنی با عراقچی درباره تلاش‌ها برای کاهش تنش و بازگشت به مسیر دیپلماتیک گفت‌وگو کرد.

مجموع این تحولات نشان می‌دهد که همزمان با تلاش کشورهای منطقه برای بازتعریف ترتیبات امنیتی خود، ایران نیز در کانون رایزنی‌های دیپلماتیک قرار گرفته است؛ وضعیتی که می‌تواند برای تهران فرصتی برای اثرگذاری بر شکل‌گیری نظم امنیتی جدید منطقه فراهم کند، مشروط بر آنکه این رایزنی‌ها از سطح میانجی‌گری‌های مقطعی فراتر رفته و به سازوکارهای پایدار منطقه‌ای برای مدیریت بحران و کاهش تنش تبدیل شود.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت بنا گستر کرانه (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۷۶۵۳ و شناسه ملی ۱۰۸۰۱۰۴۲۸۴
بدینوسیله از کلیه سهامداران یا نمایندگان قانونی آنان دعوت می نماید تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت بنا گستر کرانه که در روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۶ ساعت ۱۳ در محل تهران خیابان ملاصدرا خیابان شیرازی شمالی کوچه شهریار پلاک ۴ کد پستی ۱۹۹۱۶۴۳۹۲۴ برگزار می گردد شرکت فرمایند.
دستور جلسه:
۱-تصویب ترازنامه مالی شرکت منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹
۲-انتخاب روزنامه کثیرالانتشار شرکت
۳-انتخاب جدید اعضاء هیات مدیره
۴-تقسیم سود
۵- سایرمواردی که در صلاحیت این مجمع می باشد.
هیئت مدیره

تجدید شده
شرکت مجتمع صنایع آلومینیوم جنوب
مناقصه عمومی برچیدن بگ‌فیلترهای موجود، تأمین، اصلاح، نصب و راه‌اندازی سه دستگاه بگ‌فیلتر (غبارگیر) ایستگاه ترانسفرسایت پارسیان
از شرکت‌های واجد شرایط دعوت می‌گردد با مراجعه به نشانی ذیل از جزییات مناقصه مطلع گردند:
www.salcocomplex.com/tender
همچنین متقاضیان می‌توانند از طریق رایانامه و شماره تماس زیر اطلاعات تکمیلی را کسب نمایند:
legaloffice@salcocomplex.com
تلفن: ۵۳۷۴۵۰۰۰(۰۲۱)
داخلی ۵۲۲۱